

چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد

سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران

دکتر محسن رنانی و دکتر رزیتا مؤیدفر



طرح نو

انتشارات طرح نو

فروشگاه: خیابان خرمشهر (آبادانا) - خیابان نویخت
شماره ۲۲ تلفن: ۸۸۵۰۰۱۸۳
مرکز پخش طرح نو: ۸۸۵۱۸۱۴-۸۸۷۶۸۳۸۵-۸۸۷۵۹۲۲۴
email: tarh_e_no@yahoo.com

چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد (سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران)

• نویسندگان: دکتر محسن رزائی و دکتر رزینا مؤیدفر • چاپ و صحافی: فرنگار رنگ
• نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

حروفچینی و صفحه‌آرایی: علامرضا عقیلی شمس • شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

• تمامی حقوق محفوظ است: تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.
شابک: ۹۶۸-۹۶۴-۴۸۹-۰۴۹-۹
ISBN: 978-964-489-049-0

رزائی، محسن، ۱۳۴۴ - مؤیدفر، رزینا، ۱۳۵۱ -

چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران / نویسندگان: محسن رزائی،

رزینا مؤیدفر. - تهران: طرح نو، ۱۳۸۹

۶۲۴ ص. : جدول و نمودار.

کتابنامه: ص. [۴۹۰] - ۵۰۳.

نمایه.

سرمایه اجتماعی - ایران

۳۰۲/۰۹۵۵

HMV ۱۳۸۹ ۰۸/۰۹

۱۸۷۵۲۵۷

فهرست مطالب

۱۵

مقدمه

۲۳

بخش اول: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران (نگاه توصیفی)

۲۵

فصل اول: سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی

۲۵

۱-۱ مقدمه

۲۸

۱-۲ مفهوم سرمایه اجتماعی

۳۰

۱-۳ سرمایه اجتماعی در نقش روغن اقتصاد

۳۵

۱-۴ سرمایه اجتماعی به عنوان قاعده بازی

۳۹

۱-۵ نگاهی به برخی شاخص‌ها در ایران

۴۵

۱-۶ جمع‌بندی فصل

۴۸

فصل دوم: سرمایه اجتماعی و هزینه مبادله

۴۸

۲-۱ مقدمه

۵۰

۲-۲ چرا «سرمایه» اجتماعی؟

۵۳

۲-۳ مفهوم سرمایه اجتماعی

۵۸

۲-۴ سرمایه اجتماعی و هزینه مبادله

۶۲

۲-۵ جمع‌بندی فصل

۶۴

فصل سوم: سرمایه اجتماعی، عقلانیت و توسعه

۶۴

۳-۱ مقدمه

۶۴

۳-۲ انواع رفتار

۶۵

۳-۳ تمایز عقل و عقلانیت

۶۹

۳-۴ عقلانیت پدیده‌ای اجتماعی و تاریخی

۷۱

۳-۵ دسته‌بندی عقلانیت

۷۷	۶-۳- مثال‌های کاربردی
۸۱	۷-۳- عقلانیت ابزاری همه کاره است
۸۲	۸-۳- ریشه‌های عقلانیت
۸۶	۹-۳- عقلانی یا عقلانی؟
۸۹	۱۰-۳- نقش سرمایه اجتماعی در عقلانیت
۹۶	۱۱-۳- تأثیر نوع عقلانیت بر فرآیند توسعه
۱۰۶	۱۲-۳- جمع‌بندی فصل
۱۰۹	فصل چهارم: سرمایه اجتماعی ابزار تولید سعادت
۱۰۹	۱-۴- مقدمه
۱۱۰	۲-۴- سعادت از منظر فیلسوفان یونان
۱۱۴	۳-۴- سعادت در عصر کلیسا
۱۱۵	۴-۴- سعادت در مکاتب اقتصادی
۱۱۹	۵-۴- نگاه به سعادت در قرن بیستم
۱۲۲	۶-۴- نگاهی ساده به مفهوم سرمایه اجتماعی
۱۲۵	۷-۴- سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی
۱۲۷	۸-۴- شاخص‌های سرمایه اجتماعی
۱۲۹	۹-۴- مثلث بی‌توازن توسعه در ایران
۱۳۳	۱۰-۴- جمع‌بندی فصل
۱۳۴	فصل پنجم: سرمایه اجتماعی، حلقه پیوند عدالت و اقتصاد
۱۳۴	۱-۵- مقدمه
۱۳۵	۲-۵- مروری بر مفهوم عدالت
۱۳۹	۳-۵- سرمایه اجتماعی، واژه‌ای نو با مفهومی کهن
۱۴۲	۴-۵- رابطه سرمایه اجتماعی و عدالت
۱۴۵	۵-۵- سرمایه اجتماعی و پیش‌فرضهای علم اقتصاد
۱۴۹	۶-۵- جمع‌بندی فصل
۱۵۱	فصل ششم: نفت، سرمایه اجتماعی و امتناع توسعه در ایران
۱۵۱	۱-۶- مقدمه
۱۵۴	۲-۶- تمثیلی ساده برای مفهوم سرمایه اجتماعی
۱۵۵	۳-۶- کمبود ژنتیک سرمایه اجتماعی در ایران
۱۵۹	۴-۶- آیا نفت مانع توسعه است؟

۱۶۴	۵-۶- نفت علل تخریب سرمایه اجتماعی در ایران
۱۶۵	الف) تخریب دولت:
۱۶۷	ب) تخریب نهادها:
۱۶۸	پ) تخریب دموکراسی:
۱۷۵	۶-۶- جمع‌بندی فصل
۱۷۸	فصل هفتم: سرمایه اجتماعی و امتناع برنامه در ایران
۱۷۸	۱-۷- اختلاف در پنداره‌ها
۱۸۰	۲-۷- اقتصاد ایران در سیطره فیلسوفشاهان
۱۸۴	۳-۷- مدیران مکانیکی در کنار مدیران فیلسوفشاه
۱۸۶	۴-۷- سقوط سرمایه اجتماعی در ایران
۱۸۸	۵-۷- وظایف کلاسیک دولت‌ها
۱۹۳	۶-۷- سرمایه اجتماعی، شرط بازی اجتماعی
۲۰۲	۷-۷- مأموریت رئیس‌جمهور
۲۰۵	۸-۷- اقتصاد آزاد پیش شرط مردم‌سالاری
۲۰۷	۹-۷- تناقض دولت
۲۱۱	۱۰-۷- تناقض سیاست
۲۱۲	۱۱-۷- ابهام در آینده
۲۱۹	فصل هشتم: جنبه‌های دیگری از سرمایه اجتماعی
۲۱۹	۱-۸- چرا سرمایه اجتماعی مطرح شد؟
۲۲۰	۲-۸- ویژگی‌های سرمایه اجتماعی
۲۲۱	۳-۸- تفکیک اخلاق فردی از اخلاق اجتماعی
۲۲۳	۴-۸- معیارهای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی
۲۲۴	۵-۸- سرمایه اجتماعی به عنوان کالای عمومی
۲۲۵	۶-۸- سطوح سرمایه اجتماعی
۲۲۷	۷-۸- ریشه‌های ناکامی
۲۲۷	۸-۸- تخریب و بازسازی سرمایه اجتماعی
۲۲۸	۹-۸- سرمایه اجتماعی و توسعه
۲۲۹	۱۰-۸- ارزش‌های فرهنگی و سرمایه اجتماعی
۲۳۰	فصل نهم: بازسازی سرمایه اجتماعی
۲۳۰	۱-۹- مقدمه

- ۲۳۲ ۲-۹- بازخوانی سرمایه اجتماعی
 ۲۳۴ ۳-۹- تحول سرمایه اجتماعی در ایران
 ۲۳۶ ۴-۹- بازسازی سرمایه اجتماعی
 ۲۳۸ ۵-۹- تناسب در اقتدار
 ۲۳۹ ۶-۹- اقتدار: حکومت یا جامعه مدنی؟
 ۲۴۵ ۷-۹- جمع‌بندی فصل

- ۲۴۷ بخش دوم: سرمایه اجتماعی (بنیادها، پیامدها و نظریه‌ها)
 ۲۴۹ فصل دهم: سیر تاریخی تکوین مفهوم سرمایه اجتماعی
 ۲۴۹ ۱-۱- مقدمه
 ۲۵۰ ۲-۱- ادبیات سرمایه اجتماعی در جهان
 ۲۵۰ ۱-۱-۱- دوره اول (سال‌های قبل از ۱۹۲۰)
 ۲۵۳ ۱-۲-۱- دوره دوم (۱۹۲۰-۱۹۷۰)
 ۲۵۶ ۱-۳-۱- دوره سوم (سال‌های پس از ۱۹۷۰)
 ۲۷۶ ۳-۱- ادبیات سرمایه اجتماعی در ایران
 ۲۸۸ ۴-۱- جمع‌بندی فصل
 ۲۹۰ فصل یازدهم: کنش‌های اجتماعی و اقتصاد
 ۲۹۰ ۱-۱- مقدمه
 ۲۹۳ ۲-۱- ساختار یک سازمان اجتماعی به مفهوم عام
 ۲۹۷ ۱-۲-۱- نظام مبادله اجتماعی
 ۳۰۰ ۲-۲-۱- هنجار
 ۳۰۳ ۳-۲-۱- روابط اعتماد
 ۳۰۶ ۴-۲-۱- شبکه
 ۳۰۸ ۳-۱- سرمایه اجتماعی
 ۳۰۹ ۱-۳-۱- مفهوم سرمایه اجتماعی
 ۳۱۲ ۲-۳-۱- «سرمایه اجتماعی» فراتر از یک استعاره
 ۳۱۵ الف- قابلیت تبدیل
 ۳۱۷ ب- ماندگاری
 ۳۱۸ ج- انعطاف‌پذیری
 ۳۱۸ د- جان‌شین و مکمل بودن

ه- استهلاک

۳۱۹

و- قابلیت اطمینان

۳۲۰

ز- توانایی خلق سرمایه جدید (توانایی زایش)

۳۲۱

ح- فرصت‌های سرمایه‌گذاری

۳۲۲

ط- قابلیت انتقال مالکیت

۳۲۳

۱۱-۳-۳- گونه‌های سرمایه اجتماعی

۳۲۳

الف- سرمایه اجتماعی آوندی (سرمایه اجتماعی در سطح خرد)

۳۲۴

ب- سرمایه اجتماعی هموندی (سرمایه اجتماعی در سطح میانه)

۳۲۴

ج- سرمایه اجتماعی پیوندی (سرمایه اجتماعی در سطح کلان)

۳۲۶

۱۱-۲-۴- سایر گونه‌های سرمایه اجتماعی

۳۲۸

۱۱-۳-۵- آثار اقتصادی سرمایه اجتماعی

۳۳۰

۱۱-۴- جمع‌بندی فصل

۳۳۷

پیوست شماره ۱: تبیین روابط سرمایه اجتماعی آوندی، هموندی و پیوندی

۳۴۰

فصل دوازدهم: فرآیند تبدیل سرمایه اجتماعی به کارایی اجتماعی

۳۴۳

۱۲-۱- مقدمه

۳۴۳

۱۲-۲- منابع سرمایه اجتماعی

۳۴۷

۱۲-۳- مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

۳۴۹

۱۲-۴- مبادله

۳۵۱

۱۲-۵- کارکردهای سرمایه اجتماعی

۳۵۳

۱۲-۶- تبیین ارتباط سطوح خرد و کلان سرمایه اجتماعی

۳۵۷

۱۲-۶-۱- نظریه هنجار- شبکه

۳۵۸

۱۲-۶-۲- نظریه شبکه- سرمایه اجتماعی

۳۶۶

۱۲-۶-۳- لایه‌های سه‌گانه و چگونگی گسترش سرمایه اجتماعی

۳۶۸

۱۲-۷- الگوی ساخت و تبدیل سرمایه اجتماعی به کارایی اجتماعی

۳۷۵

۱۲-۸- جمع‌بندی فصل

۳۷۹

پیوست شماره ۱: بیان ریاضی رابطه رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی

۳۸۳

پیوست شماره ۲: مدل ساختار کوواریانس

۳۸۹

پیوست شماره ۳: مدل علل چندگانه- شاخص‌های چندگانه

۳۹۱

بخش سوم: سرمایه اجتماعی در ایران (نگاه تحلیلی)

۳۹۵

فصل سیزدهم: تبیین سرمایه اجتماعی در ایران

۳۹۷

۳۹۷	۱-۱۳- مقدمه
۳۹۸	۱۳-۲- مولفه‌های شبکه‌های اجتماعی در ایران
۴۰۰	۱۳-۲-۱- نیروهای مذهبی
۴۰۶	۱۳-۲-۲- نیروهای قومی
۴۰۹	۱۳-۲-۳- نیروهای کارکردی
۴۱۵	۱۳-۲-۴- نیروهای ملی
۴۱۹	۱۳-۳- شبکه‌های اجتماعی ایران
۴۲۰	الف- تبعیض در وضع قانون
۴۲۳	ب- تبعیض در اجرای قانون
۴۲۴	ج- عدم حفاظت از حقوق مالکیت
۴۲۸	۱۳-۴- موقعیت هنجاری ایران و پایداری شبکه‌ها
۴۴۹	۱۳-۵- روند سرمایه اجتماعی در ایران
۴۵۲	۱۳-۶- اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران
۴۵۶	۱۳-۷- رابطه شاخص اعتماد و نرخ رشد اقتصادی در استان‌های ایران
۴۶۳	۱۳-۸- جمع بندی فصل
۴۶۶	پیوست شماره ۱: جدول داده‌ها:
۴۶۹	پیوست شماره ۲: نتایج تخمین روند سرمایه اجتماعی در ایران
۴۷۴	پیوست شماره ۳: نتایج تخمین رابطه نرخ رشد سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در ایران
۴۷۶	پیوست شماره ۴: الگوی ریاضی تخمین ضرایب همبستگی نرخ‌های رشد تولید و عوامل آن در ایران
۴۷۷	پیوست شماره ۵: الگوی ریاضی تخمین شاخص‌های اعتماد به تفکیک استان‌ها
۴۷۹	فصل چهاردهم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۴۷۹	۱-۱۴- مقدمه
۴۸۲	۱۴-۲- نتایج
۴۸۶	۱۴-۳- پیشنهادها
۴۸۹	منابع و مأخذ:
۴۸۹	الف- منابع و مأخذ فارسی:
۴۹۶	ب- منابع و مأخذ انگلیسی:

- شکل (۱-۱) - تعداد پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی کشور به ازاء هر یک میلیون نفر طی دوره ۱۳۷۳-۱۳۸۵ ۴۱
- شکل (۲-۱) - تعداد پرونده‌های جرایم عمدی تشکیل شده در نیروی انتظامی کشور به ازاء هر یک میلیون نفر طی دوره ۱۳۷۰-۱۳۸۳ ۴۲
- شکل (۳-۱) - مدور چک بلامحل به ازاء هر یک میلیون نفر جمعیت کشور طی دوره ۱۳۷۳-۱۳۸۵ ۴۴
- شکل (۱-۲) - رابطه مزینه مبادله و سرمایه اجتماعی ۶۰
- شکل (۱-۳) - فرایند شکل‌گیری و تقویت انواع عزالت و رابطه آن‌ها با سرمایه اجتماعی ۹۵
- شکل (۲-۳) - ابعاد فناوری و تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر ۹۹
- شکل (۱-۴) - سرمایه اجتماعی به عنوان قاعده یا سرمایه اصلی برای فرایند توسعه ۱۳۲
- شکل (۱-۵) - وضعیت هنجاری یک جامعه در شرایط عدالت و تبعیض ۱۴۴
- شکل (۱-۶) - نقش ساختار و کیفیت نهادی کشورها در تقویت توسعه با ثبات آن‌ها ۱۶۳
- شکل (۲-۶) - تأثیر نفت بر سرمایه اجتماعی از طریق تخریب نهادها ۱۶۸
- شکل (۳-۶) - تأثیر نفت بر سرمایه اجتماعی از طریق تخریب دموکراسی ۱۷۵
- شکل (۱-۹) - روند طبیعی و آزاد جابه‌جایی اقتدار ۲۴۰
- شکل (۲-۹) - روند کنترل شده جابه‌جایی اقتدار ۲۴۲
- شکل (۳-۹) - حفظ مصنوعی اقتدار حکومت ۲۴۳
- شکل (۱-۱۰) - نتایج حاصل از درجات مختلف منطقی سازی و شفافیت قوانین ۲۶۸
- شکل (۲-۱۰) - تعیین موقعیت مناسب شفافیت قوانین در برابر سطح مشخص از منطقی بودن قوانین ۲۶۹
- شکل (۱-۱۱) - قضیه اجتماعی کلان: کالونیزم مشوق سرمایه‌داری است ۲۹۲
- شکل (۲-۱۱) - گزاره‌های سطح کلان و خرد: تأثیر آئین مذهبی بر سازمان اقتصادی ۲۹۲
- شکل (۳-۱۱) - هسته اصلی یک سازمان اجتماعی ۲۹۳
- شکل (۴-۱۱) - ارتباط سطح خرد یک سازمان اجتماعی و ساختار کلان ۲۹۴
- شکل (۵-۱۱) - سطوح خرد و کلان در یک نظام اجتماعی ۲۹۵
- شکل (۶-۱۱) - نظام اجتماعی مبتنی بر تولید ۲۹۶
- شکل (۷-۱۱) - مبادله منابع بین کنش‌گران A_1 و A_2 ۲۹۸

شکل (۸-۱۱) - نقش کنش مبادله در یک نظام اجتماعی

شکل (۹-۱۱) - حلقه ظهور و تداوم هنجار

شکل (۱۰-۱۱) - روابط اعتماد با کنش گر سوم در نقش مشاور

شکل (۱۱-۱۱) - روابط اعتماد با کنش گر سوم در نقش ضامن

شکل (۱۲-۱۱) - روابط اعتماد با کنش گر سوم در نقش سرمایه گذار

شکل (۱۳-۱۱) - ارتباط اجزاء یک شبکه اجتماعی

شکل (۱۴-۱۱) - شبکه های اجتماعی

شکل (۱۵-۱۱) - قابلیت تبدیل در سرمایه اجتماعی

شکل (۱۶-۱۱) - فرآیند زایش سرمایه جدید از سرمایه اجتماعی موجود

شکل (۱۷-۱۱) - فرآیند تشکیل سرمایه اجتماعی از منابع آن

شکل (۱۸-۱۱) - ارتباط سرمایه اجتماعی آوندی و هموندی

شکل (۱۹-۱۱) - ارتباط سرمایه اجتماعی پیوندی و هموندی

شکل (۲۰-۱۱) - حداکثر کارایی در شرایط اقتصاد سستی (هزینه مبادله صفر)

شکل (۲۱-۱۱) - ناکارایی حاصل از مقدار بیش هزینه مبادله

شکل (۲۲-۱۱) - ارتباط بین سرمایه اجتماعی آوندی، هموندی و پیوندی

شکل (۱-۱۲) - لایه اولیه فرآیند تشکیل سرمایه اجتماعی

شکل (۲-۱۲) - لایه ثانویه فرآیند تشکیل سرمایه اجتماعی

شکل (۳-۱۲) - نواحی چهارگانه وضعیت هنجاری یک جامعه

شکل (۴-۱۲) - ارتباط بین سطوح خرد، میانه و کلان سرمایه اجتماعی

شکل (۵-۱۲) - شرایط مطلوب جهت تشکیل حداکثر سرمایه اجتماعی در سطح کلان

شکل (۶-۱۲) - فرآیند ساخت و تبدیل سرمایه اجتماعی به کارایی اجتماعی

شکل (۷-۱۲) - فرآیند تبدیل سرمایه اجتماعی به کارایی اجتماعی مطابق با چارچوب مدل ساختار

کوارینانس

شکل (۸-۱۲) - مدل عللی چندگانه - شاخص های چندگانه

شکل (۹-۱۲) - ترکیب اجزاء تخمین زننده و ساختاری مدل ساختار کوارینانس

شکل (۱-۱۳) - نواحی چهارگانه وضعیت هنجاری یک جامعه

شکل (۲-۱۳) - وضعیت هنجاری در ایران طی دوره ۶۸-۱۳۸۳

شکل (۳-۱۳) - وضعیت تعدیل شده هنجاری ایران طی دوره ۶۸-۱۳۸۳

- شکل (۱۳-۴)- روند اعمال غیر اخلاقی در هر میلیون نفر در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۳۶
- شکل (۱۳-۵)- روند آسیب‌های اجتماعی در هر میلیون نفر در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۳۷
- شکل (۱۳-۶)- روند قتل عمد در هر میلیون نفر در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۳۸
- شکل (۱۳-۷)- روند جرائم اقتصادی در هر میلیون نفر در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۳۸
- شکل (۱۳-۸)- روند خسارت‌های اجتماعی در هر میلیون نفر در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۳۹
- شکل (۱۳-۹)- روند تعرض‌های اجتماعی در هر میلیون نفر در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۴۰
- شکل (۱۳-۱۰)- روند خودکشی در هر میلیون نفر در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۴۰
- شکل (۱۳-۱۱)- روند تعداد طلاق به ازاء هر یک صد ازدواج طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۴۳
- شکل (۱۳-۱۲)- روند شاخص حفاظت از حقوق مالکیت در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۴۴
- شکل (۱۳-۱۳)- روند شاخص اعتماد در مبادلات اقتصادی در کل کشور طی دوره ۶۸-۱۳۸۳ ۴۴۶
- شکل (۱۳-۱۴)- عوامل پندگانه مؤثر بر روند متغیر پنهان سرمایه اجتماعی ۴۴۷
- شکل (۱۳-۱۵)- شاخص‌های پندگانه اثرپذیر از روند متغیر پنهان سرمایه اجتماعی ۴۴۸
- شکل (۱۳-۱۶)- نرخ رشد سرمایه اجتماعی در ایران طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۳ ۴۵۰
- شکل (۱۳-۱۷)- روند سطح سرمایه اجتماعی در ایران طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۳ ۴۵۱
- شکل (۱۳-۱۸)- رابطه رشد اقتصادی و شاخص اعتماد خاص در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰ ۴۵۹
- شکل (۱۳-۱۹)- رابطه رشد اقتصادی و شاخص اعتماد عام در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰ ۴۶۰
- شکل (۱۳-۲۰)- رابطه رشد اقتصادی و شاخص اعتماد به مراجع قانونی در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰ ۴۶۱
- شکل (۱۳-۲۱)- رابطه رشد اقتصادی و شاخص اعتماد به مراجع اجتماعی در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰ ۴۶۲
- شکل (۱۳-۲۲)- رابطه رشد اقتصادی و شاخص اعتماد به مراجع اقتصادی در استان‌های ایران در سال ۱۳۸۰ ۴۶۲

فهرست جدول‌ها

۲۶۵	جدول (۱۰-۱)- طبقه‌بندی شرایط سرمایه اجتماعی در جامعه بر حسب روابط درون و بین نهادی
۲۶۶	جدول (۱۰-۲)- طبقه‌بندی شرایط سرمایه اجتماعی در جامعه بر حسب روابط درون مردم (سطح خرد) و بین حکومت و مردم (سطح کلان)
۲۷۳	جدول (۱۰-۳)- مقایسه منافع حاصل از تعادل نش و راه حل همکاری
۳۰۲	جدول (۱۱-۱)- ماتریس پاداش در تئوری بازی‌ها
۴۱۵	جدول (۱۳-۱)- سهم کارگاه‌های فعال بر حسب تعداد کارکنان (درصد)
۴۲۲	جدول (۱۳-۲)- تفکیک گروه‌های فعال در انقلاب اسلامی ایران
۴۵۶	جدول (۱۳-۳)- نتایج حاصل از تخمین ضرائب همبستگی جزئی بین نرخ‌های رشد تولید و عوامل آن در ایران طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۳
۴۵۶	جدول (۱۳-۴)- نتایج حاصل از تخمین ضرائب همبستگی بین شاخص‌های اعتماد و نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی در استان‌ها در مقطع (۷۹-۸۰)
۴۵۸	جدول (۱)- نتایج تخمین سیستم معادلات ساختاری مربوط به روند تغییرات سرمایه اجتماعی
۴۷۱	جدول (۲)- نتایج معیارهای عمومی برازش مدل و تخمین روند تغییرات سرمایه اجتماعی
۴۷۳	جدول (۱)- نتایج تخمین رابطه بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در ایران طی دوره (۱۳۶۸-۱۳۸۳)
۴۷۴	جدول (۲)- نتایج حاصل از تخمین تابع تولید کاب داکلاس
۴۷۵	

مقدمه

همه ما می دانیم که دروغ گفتن بد است و بیشتر ما می فهمیم که دروغ در بلندمدت هم به خودمان و هم به دیگران آسیب می زند. اما همچنان بسیاری از ما دروغ می گوئیم، یا همه ما گاهی دروغ می گوئیم. همه ما می دانیم که خلف وعده و ایجاد بی اعتمادی کاری ناپسند است و بیشتر ما می فهمیم که کار جامعه بدون اعتماد سامان نمی گیرد، اما همچنان بسیاری از ما نسبت به دیگران بی اعتمادیم یا با خلف وعده دیگران را نسبت به خود بی اعتماد می کنیم. همه ما می دانیم رعایت مقررات رانندگی، آمدن به شهر را روان می کند و بیشتر ما می فهمیم که این کار وقتی سامان می گیرد و جدی می شود که ما یاد بگیریم حتی در نیمه شبی که هیچ وسیله نقلیه دیگری در خیابان نیست هم این مقررات را رعایت کنیم. اما همچنان بیشتر ما در روز و تقریباً همه ما در نیمه شب، مقررات رانندگی را نقض می کنیم. همه ما می دانیم که قانون شکنی اگر فراگیر شود همچون یک بیماری مزمن جامعه را به سوی ویرانی می برد، و اگر این کار به یک عادت رفتاری در مدیران و سیاستمداران حکومتی تبدیل شود، همانند یک سم مهلک جامعه را از درون متلاشی می کند. و بیشتر ما هر روز با قانون شکنی همگان خویش یا برخی مدیران و مسئولان روبه رو می شویم، اما کمتر کسی از ما در مواقعی که با این پدیده روبه رو می شود، اعتراض می کند یا برای اصلاح آن اقدام می کند یا در برابر آن مقاومت می ورزد. چرا؟ چون همه ما می خواهیم با کمترین هزینه (وقت، اعصاب، پول، انرژی و هر چیزی از این دست)، منافع خود را کسب کنیم و بیشتر ما در هر موقعیت دشوار می گوئیم: «بگذار فعلاً از این مخمصه بگذرم تا

بعد؛ و بسیاری از ما حاضریم با آسیب به دیگران منفعت خود را بیشتر کنیم. و چنین می‌شود که زندگی در جامعه به مسابقه دویی تبدیل می‌شود که هیچ قاعده و قانونی ندارد و ناظر جدی‌ای نیز بر آن قاعده‌مندی آن نظارت ندارد، یعنی هر کس به هر طریق که زودتر برسد برده است. پس یکدیگر را هل می‌دهیم، به زمین می‌زنیم، پرخاش می‌کنیم، دروغ می‌گوییم، پا بر پیکر هم می‌گذاریم و در این تلاش برای زودتر رسیدن می‌کوشیم تا چشم در چشم هیچکس نشویم. چشم‌ها را می‌بندیم مبادا چشمان به چشمی بیفتد و مجبور شویم حیا کنیم. و چنین می‌شود که زندگی همچون چهارراهی می‌شود که وقتی چراغ راهنمایی زرد می‌شود تازه همه پا را روی گاز می‌گذارند تا پیش از آن که چراغ قرمز شود عبور کنند. گویی این آخرین عبور است و اگر موفق نشوند همه چیز تمام می‌شود. و زندگی اجتماعی چیزی نیست جز تعداد انبوهی از «چهار راههای منفعتی». در واقع هر معامله اقتصادی یا مبادله اجتماعی، یک چهارراه منفعتی است که دو طرف (دو راننده) دارد و هر یک از دو طرف می‌خواهد با منفعت بیشتری از این چهارراه عبور کند. در حالت طبیعی وقتی ما در این چهارراههای منفعتی به هم برخورد می‌کنیم، باید به گونه‌ای معقول که متضمن رعایت قانون و منافع هر دو طرف باشد، از آنها عبور کنیم. اما برعکس هر کدا از ما می‌کوشیم تا فرصت از دست نرفته است زودتر اقدام کنیم و منفعت بیشتری برای خود برابیم. حالا اگر پلیس هم وارد بازی شود و بخواهد برخلاف وظیفه‌اش زودتر محل خدمت را ترک کند یا خودش هم از چراغ قرمز عبور کند، آنگاه است که چهارراه به هرجا گره می‌خورد و همه باید ساعت‌ها در هم بلولند و بوق بزنند و عرق بریزند، تا شاید راه گشوده شود.

راستی چرا در جامعه ما دروغ گویی به سرعت در حال گسترش است؟ راستی چرا اعتماد عمومی روز به روز کاهش می‌یابد و هیچ کس حرات نمی‌کند در هنگام شب، حتی در باران شدید، کسی را که نمی‌شناسد سوار کند؟ راستی چرا معامله کردن هر روز سخت‌تر و دشوارتر می‌شود و از همدیگر ضمانت‌های بیشتری طلب می‌کنیم؟ راستی چرا رانندگی در شهرهای ما تا این اندازه اعصاب می‌برد؟ راستی چرا بچه‌های ما درختچه‌ها کنار خیابان را که شهرداری به تازگی کاشته است می‌شکنند؟ راستی چرا هرچه روکش صندلی‌های اتوبوس‌های شهری ما را عوض می‌کنند دوباره به سرعت پاره می‌شود؟ راستی چرا این همه نرده در خیابانهایمان می‌کاریم؟ راستی چرا برخی پزشک‌های ما مخفیانه پر اضافی از بیماران می‌گیرند؟ راستی چرا در شهرهای بزرگ ما این همه صدای بوق اتومبیه می‌آید؟ راستی چرا سالیانه حدود سی هزار نفر در تصادفات رانندگی کشته می‌دهیم؟ راستی چرا هفت میلیون پرونده در دستگاه قضایی در حال رسیدگی است؟ راستی چرا نه

اعتیاد به سرعت در حال افزایش است؟ راستی چرا وقتی هنگام اذان صبح اتوبوس بین شهری با چهل مسافر در کنار مسجدی می ایستد، تنها دو یا سه نفر برای ادای نماز پیاده می شوند؟ راستی چرا آسفالت خیابانی که هنوز چند ماه از افتتاح آن نمی گذرد اکنون این همه فراز و نشیب و دست انداز پیدا کرده است؟ راستی چرا برخی خودروهای ساخت داخل در همان ماههای اول آتش می گیرند؟ راستی چرا وقتی یکی از تیم های ورزشی می بازد طرفدارانش اتافک های تلفن عمومی را تخریب می کنند؟ راستی چرا هرچه دولت وام می دهد، اشغال لا نمی رود؟ راستی چرا هرچه فناوری رشد می کند، کارایی ما افزایش نمی یابد؟ راستی چرا حاضریم برای نشان دادن و به رخ کشیدن خطای دیگران، خودمان هم کار غیر اخلاقی بکنیم؟ راستی چرا ما این همه حریصیم تا ناهنجاریهای رفتاری خودمان را از طریق موبایل تکثیر کنیم و به یکدیگر نشان دهیم؟ راستی چرا...؟

از «توسعه یافته می گذریم، راستی جامعه ای که در چنین فرایندی قرار می گیرد را می توان «در حال توسعه» نامید؟ اگر آری، «در حال توسعه چه چیزی؟» راستی «توسعه» چیست و ربطش با پدیده های اجتماعی که در بالا ذکر کردیم کدام است؟ راستی یک دولت برای آن که جامعه اش را به سوی فرایند توسعه رهنمون شود چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟ راستی اصولاً دولت برای آن که یک دولت «توسعه خواه» باشد باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟ راستی نقش مذهب در فرایند توسعه چیست؟ آیا مذهب می تواند به توسعه کمک کند؟ اگر آری چگونه؟

این ها و دهها برابر این ها، سؤلهایی هستند که با کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی در یک چارچوب تحلیلی، می توان به یافتن پاسخ آنها کمک کرد و دست کم ابعادی از پاسخشان را روشن کرد. نمی گوئیم این کتاب دقیقاً چنین کرده است اما می گوئیم کوشیده است با آغازی ساده و قابل فهم برای هر علاقه مند به مباحث اجتماعی و اقتصادی توسعه و با ارتقاء گام به گام سطح تحلیل، چارچوبی نظری برای تحلیل ابعادی از ناکامی فرایند توسعه در ایران معاصر فراهم آورد. معتقدیم این تازه آغاز راه است و رسیدن به یک دستگاه تحلیلی قدرتمند و فراگیر نیازمند گذر زمان و همت اندیشمندان فراوانی است. معتقدیم ورود بحث سرمایه اجتماعی به عرصه نظریه پردازی در مورد اقتصاد ایران و تحلیل رابطه اخلاق با اقتصاد یکی از عناصر کلیدی برای شناخت ناکامی های فرایند توسعه در ایران به شمار می رود. ورود اصطلاح «سرمایه اجتماعی» به ادبیات سیاسی - اجتماعی ایران را پدیده مبارکی می دانیم و نگرانی از کاربرد نادرست این مفهوم - که منجر به بی اعتبار شدن آن در بلندمدت می شود - ما را بر آن داشت تا مجموعه تأملات خود در این حوزه را در این کتاب گرد آوریم. شاید اگر مجال بیشتری می بود کار بهتری قابل

عرضه بود. اما ایران است و هزار و یک تحول ناخواسته در راه. بنابراین بر آن شدیم تا آنچه موجود بود را در معرض نقد و نظر اصحاب اندیشه قرار دهیم تا اگر توفیقی بود بعدها در تکمیل آن بکوشیم.

در واقع این کتاب، نه یک کار جدید، که حلقه‌ای است کوچک از زنجیره بلندی از تلاش‌های اندیشگی که از گذشته دور تاکنون برای تبیین بهتر اقتصاد ایران انجام شده است. اگر به گذشته علم اقتصاد بازگردیم، از هنگام انتشار کتاب «ثروت ملل» آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ تاکنون بیش از دو قرن است که اندیشه اقتصادی در تکیاوی نظریه پردازی است تا بتواند رفتارهای اقتصادی اعضاء جامعه را در چارچوب‌های منطقی و علمی، تحلیل و پیش‌بینی کند. اما پیچیدگی رفتارهای انسانی در تمامی حوزه‌ها، و به طور خاص در حوزه اقتصاد، اندیشمندان را ناگزیر ساخت تا - به تدریج و با ملاحظه شواهد ناقص و تجربه‌های خلاف انتظارهای نظری - قیدهایی را بر نظریه‌های خود اعمال کنند و از این طریق تحلیل رفتار اقتصادی انسان‌ها را با محدودیت‌های حاکم بر دانسته‌های بشری سازگار سازند. دو نمونه از اصلی‌ترین این قیده‌ها، یکی محدود کردن رفتار عقلانی انسان‌ها در چارچوب «عقلانیت ابزاری» است و دیگری فرض «استقلال رفتاری» اعضاء جامعه از یکدیگر است. معمولاً در متون کلاسیک علم اقتصاد، انسان‌ها موجوداتی عاقل انگاشته می‌شوند که به طور مکانیکی و مستقل از یکدیگر، حداکثر منافع خود را دنبال می‌کنند. در اولین گام، در سطح خرد، تحلیل رفتارهای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و نقش بازارها در تخصیص بهینه منابع (سرمایه‌های اقتصادی و انسانی) کمیاب به خواسته‌ها و نیازهای نامحدود بشری، بر پایه این فروض استوار می‌شود. سپس با گسترش تحلیل به سطح کلان و معرفی توابع عرضه و تقاضای کل و تحلیل سیاست‌های اقتصادی اثرگذار بر توابع مذکور (در راستای تأمین حداکثر رفاه اجتماعی) همچنان تصور ابزاری بودن عقلانیت و مکانیکی بودن رفتار انسان‌ها در تحلیل مندرج است. و البته طبیعت علم و لزوم داشتن تعاریف و مفاهیم روشن و دقیق، اعمال چنین قیودی را ناگزیر می‌سازد.

بر چنین بنیادی بود که نظریه‌های اقتصادی شکل گرفت و به تدریج آزمون آنها - متناسب با ابزارها و روشهای در دسترس - آغاز شد و بر پایه نتایج حاصل از این آزمون‌ها، توصیه‌ها و سیاست‌هایی شکل گرفت که بر چگونگی تخصیص منابع محدود - یعنی سرمایه‌های اقتصادی و انسانی - متمرکز و مؤثر بود و همه این‌ها با امید و به منظور بهبود زندگی اقتصادی و افزایش رفاه اعضاء جامعه بود.

سیر بلند رشد اندیشه اقتصادی به گونه‌ای پیش رفت که به تدریج برخی فروض پایه‌ای (مانند عقلانیت ابزاری فردمحور) به عنوان بدیهیاتی قلمداد شد که نیازی به سخن

گفتن در مورد آنها نیست و اندیشمندان اقتصادی به گونه ای غیرمستقیم از پرداختن به آنها منع شدند (به زبان روش شناختی، این فروض به عنوان «فروض هسته ای» علم اقتصاد، و با یک توافق بین الازدهانی، از حوزه تحلیل و آزمون کنار گذاشته شدند). اما از دیگر سو، مشاهده نتایج تجربی متفاوت در آزمون نظریه های یکسان - مثلاً مشاهده شکاف درجه توسعه یافتگی در جوامعی که دارای انباشت یکسانی از سرمایه های انسانی و اقتصادی هستند و یا گسترش فقر اقتصادی در برخی جوامع غنی از سرمایه های اقتصادی و انسانی - شواهدی بودند که پرسش های تازه ای را در اذهان جستجوگر عالمان مطرح ساخت: «چرا جوامع غنی از سرمایه های انسانی و اقتصادی، در سطوح متفاوتی از توسعه یافتگی قرار دارند؟ آیا حقیقتاً انسان های اقتصادی، موجوداتی مکانیکی هستند که مستقل از یکدیگر حداکثر منافع شخصی را دنبال می کنند؟ وجود ساختارهای حاکم بر روابط انسان های یک جامعه، چه جایگاهی در تحلیل اقتصادی دارد؟ آیا می توان ساختار روابط انسانی را در یک جامعه عامل مؤثر در پیشبرد اهداف توسعه دانست؟ و اگر چنین باشد، عاملی که بتواند به عنوان اصلی ترین تبیین کننده ساختار روابط انسانی، در مدل های توسعه وارد شود، چیست؟».

پرداختن به این مسائل برای یافتن پاسخ در خور، اندیشمندان اقتصاد را وادار می ساخت تا رفتار انسان ها را نه فقط در بعد اقتصادی که از ابعاد دیگر نیز مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. داگلاس سیل نورث^۱ یکی از اقتصاددانان پیشتازی بود که برای نخستین بار (در سال ۱۹۵۰) با نگاهی دیگرگون به رفتارهای اقتصادی انسان ها، در پی تبیین ساختار روابط انسان ها در عملکرد اقتصاد بود. آنچه او بدان پی برد قواعد حاکم بر روابط انسان ها بود، که وی آن را «نهاد»^۲ نامید. نهادها خود حاصل قوانین رسمی که در یک مقطع از زمان مصوب می شوند یا قوانین غیررسمی (عرف) که در طول زمان جای خود را در روابط انسانی باز می کنند، می باشند. نهادهای کارا از طریق کاهش عدم اطمینان و ریسک روابط انسان ها، دستیابی به نقطه بهینه در اقتصاد را کم هزینه می سازند. اما چگونگی تعریف و ساخت نهادها نیز ریشه در منابع دیگری دارد که تعیین کننده کارایی یا ناکارایی نهادها می باشند.

شناخت ریشه های تشکیل نهادها، و استنتاج کارایی یا عدم کارایی مبتنی بر ریشه های تشکیل نهادها و ورود آن ها به تحلیل مسائل اقتصادی - به منظور بررسی اثر ساختارهای حاکم بر روابط انسان ها در عملکرد اقتصاد - مستلزم عبور از مرزهای مرسوم علم اقتصاد و ورود به سایر علوم رفتارشناسی انسان ها بود. این نگاه جدید به مسائل اقتصادی، منشأ

ظهور نظریات جدیدی در علم اقتصاد گردید که با تغییر روابط نظری ملط بر متغیرهای اقتصادی، زمینه ظهور مفاهیم و حوزه‌های تحلیلی دیگری را در علم اقتصاد ایجاد کرد. یکی از این مفاهیم و حوزه‌های تحلیلی نو، مبحث «سرمایه اجتماعی» بود. در واقع این بار کشف این سرمایه جدید نه محصول کار اقتصاددانان بود و نه ریشه در مکاتب اقتصادی داشت. به دیگر سخن، پیدایش این مفهوم جدید ریشه در نظریه‌های جامعه‌شناسی قرن نوزدهم میلادی داشت. اگرچه باید به حق اندیشه سرمایه اجتماعی را بازخوانی نظریه سقراط در قرن پنجم پیش از میلاد دانست که شرط لازم برای نیل به سعادت اجتماعی را عمل کردن مطابق اخلاق یا همان عمل اخلاقی می‌دانست و اکنون پس از گذشت نزدیک به دو هزار و پانصد سال، تنها عنوانی جدید و مفهومی دقیق‌تر به خود گرفته و جایگاهی مشاهده شدنی‌تر - نه فقط در مکاتب فلسفی بلکه در مکاتب جامعه‌شناسی، اقتصادی و سیاسی - یافته است.

آموزه‌های فلاسفه یونان و پس از آن تأکید ادیان الهی نشان می‌دهد، سرمایه اجتماعی - که با عناوینی همچون عمل اخلاقی، محبت، همیاری، تعاون و همکاری، صداقت، خدمت به هم‌نوع، دیگر دوستی و نظایر این‌ها معرفی می‌شده است - همواره از مؤلفه‌های مؤثر در روابط انسان‌ها و پیشبرد امور به شمار می‌رفته است. اما تغییر عنوان این آموزه‌ها به «سرمایه اجتماعی» و ظهور شکل امروزی آن در متون جامعه‌شناسی با یادداشت‌های هانیفان (۱۹۱۶) آغاز می‌شود و پس از آن توسط سیلورمن (۱۹۳۵) در کتاب «جوهر اصلی اقتصادها» پا به عرصه سایر مکاتب از جمله مکاتب اقتصادی می‌گذارد. به هر روی، نظریه سرمایه اجتماعی با تدوین کتاب بنیادهای نظریه اجتماعی کلمن (۱۳۷۷/۱۹۹۰) تنوریزه می‌شود و به لحاظ نظری مفهوم دقیق‌تری می‌یابد تا آن‌که مطالعات تجربی پاتنام (۱۹۹۳) و فوکویاما (۱۳۷۹/۱۹۹۷) در کمی‌سازی مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی و تلاش آن‌ها در تبیین اختلاف درجه توسعه یافتگی مناطق و جوامع از طریق اختلاف ذخیره سرمایه اجتماعی آنها، سرمایه اجتماعی را در مرکز توجه مطالعات علوم انسانی به ویژه علوم اقتصادی قرار می‌دهد.

پیشینه یک صد سال مبارزات توسعه خواهانه جامعه ایران نیز، همواره اندیشمندان این سرزمین را به بازخوانی و بازنویسی اندیشه‌های تازه و یافته‌های نوی جهان واداشته است تا در میان سطور آنها، دغدغه یک صد ساله خود را بازنمایی کنند. این عطش نوخواهی و نواندیشی البته در جامعه جوان و در حال گذر امروز ایران که با موج دانش‌آموختگان عالی نیز روبه‌روست، دو چندان شده است و به همین روی با ورود هر مفهوم یا نظریه جدید، شاهد موجی از نوشته‌های ترجمه‌گون و گاه غیردقیق در مورد آن مفهوم یا نظریه

هستیم که گاهی مفهومی ناراست و نادرست از یک اصطلاح یا نظریه را انتشار می‌دهند. و مسأله آنگاه رقت‌انگیز می‌شود که مدیری یا سیاست‌مداری آن مفهوم نادقیق را بگیرد و به گونه‌ای معوج در راستای اهداف خویش به کار گیرد. متأسفانه داستان سرمایه اجتماعی در معرض چنین آسیبی قرار گرفته است و بیم آن می‌رود که این مفهوم فراخ و فربه و بسیار کلیدی برای تحلیل رفتارهای اقتصادی و اجتماعی مردم ایران، به برخی ساده‌انگاری‌ها و بدفهمی‌ها دچار شود و سرانجام پس از یک دوره مصرف سیاسی و ایجاد سردرگمی مفهومی، به صورت یک اصطلاح دستمالی شده و دم دستی اهالی سیاست، قربانی شود و نتوان از آن برای گشودن راه تحلیلی مؤثری برای تبیین برخی مشکلات روند توسعه ایران بهره گرفت.

آغاز نظریه پردازی و گسترش روزافزون مطالعات نظری و کاربردی در حوزه سرمایه اجتماعی در ایران در کمتر از دهه، وظیفه خطیری را برعهده متخصصین این حوزه قرار می‌دهد تا مانع از آن شوند که اندیشه قوی نهفته در پشت نظریه سرمایه اجتماعی به ساده‌انگاری و سطحی‌نگری دچار شود. کتاب پیش رو، در راستای این هدف و جهت ادای وظیفه اجتماعی نگارندگان تدوین شده است. آنان نتایج نزدیک به یک دهه مطالعه‌شان در زمینه سرمایه اجتماعی و کاربرد آن در اقتصاد را در معرض نقد اندیشمندان و صاحب‌نظران کشورمان قرار می‌دهند تا از این طریق گامی در جهت کاربرد تحلیلی این مفهوم بنیادین برای تحلیل رفتارهای اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در فرآیند توسعه برداشته باشند. در انجام این کوشش نیز این سخن زرتشت را پیش چشم داشته‌ایم که «سخنی را بگوئیم که از اندیشه پاک سرچشمه گرفته باشد و کاری را انجام دهیم که دسترنج کوشش و پارسایی باشد».

این کتاب در سه بخش و چهارده فصل تنظیم شده است. و با نگاهی توصیفی-تحلیلی به مقوله سرمایه اجتماعی در ایران، گوشه‌ای از ناکامی‌های فرآیند توسعه در ایران را باز می‌کاود و آن را لباس نظریه می‌پوشاند. در حقیقت می‌کوشد تا نشان دهد که آنچه جایگاه اقتصادی ما را در دنیای کنونی رقم می‌زند، نه فقط متأثر از تصمیمات سیاسی مقامات و عادات رفتاری مردم در دهه‌های اخیر است بلکه ریشه در یک پیشینه تاریخی چند صد ساله نیز دارد. چرا که سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ای است که حاصل فرهنگ، تمدن، اخلاق، فناوری و هر چیزی از این دست است. به عبارت روشن‌تر، ذخیره سرمایه اجتماعی هر جامعه حاصل «منابع هویت» و «منابع معرفت» یک ملت در هدایت آن‌ها به سوی پای بندی به هنجارهاست. هنجارهایی که در فرآیندی معطوف به واقعیت و در بستری از آزادی انتخاب، توسط اجدادشان تعریف شده و مورد حفاظت قرار گرفته است.

بخش نخست این کتاب (فصل‌های اول تا نهم) با نگاهی توصیفی به وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران آغاز شده است. در واقع مخاطب این بخش، عامه علاقه‌مندان و بیشتر، دانش‌آموختگانی از بیرون رشته‌های اقتصاد و جامعه‌شناسی هستند که به نوعی به موضوع علاقه‌مند شده‌اند و تمایل دارند تا در مورد مفهوم و اهمیت سرمایه اجتماعی برای جامعه ما بیشتر بدانند اما آمادگی ورود به بحث‌های نظری و فنی را ندارند. در این بخش کوشش شده است تا با استفاده از مثالهایی ساده از زندگی روزمره، مفهومی بسیار روشن از سرمایه اجتماعی و اهمیت کارکردی آن ارائه شود. از بخش دوم کتاب (فصل‌های دهم تا دوازدهم) به تدریج وارد مباحث تحلیلی و عمیق‌تر می‌شویم. در این بخش، بنیادها، پیامدها و نظریه‌های سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش کوشش شده است تا از پیچیدگی‌های ریاضی مباحث تحلیلی تا حد ممکن پرهیز شود. به همین علت مباحث ریاضی و آماری به پیوست‌های این بخش منتقل شده است. سرانجام در بخش سوم، یکبار دیگر به بحث سرمایه اجتماعی در ایران بازمی‌گردیم. اما این‌بار مباحث به صورت تحلیلی ارائه می‌شوند تا دانشجویان علوم اجتماعی و اقتصاد و نیز متخصصان این حوزه، بتوانند بحث را تا سطح عمیق‌تری دنبال کنند. اما در این بخش نیز مدل‌های ریاضی و نتایج برآوردهای آماری در پیوست‌ها آمده است. امکان حذف این پیوست‌ها بود و حذف آنها لطمه‌ای به جاذبه کتاب نمی‌زند. اما معتقدیم ارائه پیوست‌های ریاضی و مدل‌های اقتصادسنجی، نشان‌دهنده راهی برای دانشجویان و علاقه‌مندان به پژوهش در این حوزه فراهم می‌آورد تا از پژوهش‌های تکراری بپرهیزند و بتوانند پژوهش خود را در سطح عمیق‌تری از بحث دنبال کنند.

گرچه گاهی آشکارا عنان سخن از دست نویسندگان به در رفته است اما همچنان امید آن داریم که هیچ سخنی به گرافه نباشد و راه تحلیل به بی‌راهه نرفته باشد. این تنها تلاشی است اندک و گامی است کوچک برای ورود اندیشه سرمایه اجتماعی به حوزه تحلیل اقتصاد ایران. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.